

دکتر سلیمه سایی از سبک زندگی حضرت زهرا(ع) می‌گوید

ساده‌زیستی، مایه آرامش زندگی

همزمان با ایام شهادت حضرت زهرا(ع) پیکر مطهر ۲۵۰ شهید گمنام در ۲۵ استان کشور تشییع شد

لاله‌های فاطمی روی دوش مردم

ایران اسلامی ما این روزها حال و هوای متفاوتی را تجربه می‌کند. تنها چند روز پس از برگزاری مراسم بزرگداشت شهید حاج قاسم سلیمانی در جای جای وطن عزیزمان، پنجشنبه گذشته و همزمان با ایام شهادت حضرت زهرا (س) ۲۵۰ شهید گمنام دوران دفاع مقدس در ایام شهادت مادر بی‌نشان خود، روی دست‌های مردم شهیدپرور این سرزمین تشییع و به خاک سپرده شدند....

مهری جهانگیری-عکس: رضوی



درباره زندگی و زمانه ابوالحسن عراقی، ادیب و سیاستمدار ناکام دوره غزنوی

نخستین شاعری که در حرم رضوی مدفون شد

که خود را اداره‌کنندگان واقعی حکومت می‌دانستند، قصد داشتند در تعیین فرمانروایان نقش بیشتری ایفا کنند. به وجود آمدن دو جناح «پدریان» که طرفدار محمود غزنوی و سیاست‌های خاص وی و به حکومت رسیدن محمد، فرزند دیگر سلطان محمود بودند و «پسریان» که طرفدار سلطان مسعود و سیاست‌های وی به شمار می‌آمدند، قربانی‌های فراوانی گرفت و افرادی مانند «حسنک وزیر» به دلیل همین رقابت و با دستور مسعود غزنوی به هلاکت رسیدند. به نظر می‌رسد آنچه بیشتر از همه موجب عزل عراقی و بر باد رفتن جایگاه و موقعیت او شد، قرار گرفتن وی در وسط معرکه رقابت‌های سیاسی «پدریان» و «پسریان» بوده باشد.

■ **پایان کار و آرام گرفتن در مشهد(رضاع)**
درباره درگذشت ابوالحسن عراقی، بیهقی گزارش



با به قدرت رسیدن مسعود غزنوی، ابوالحسن در شهریور سال ۴۱۵ خورشیدی، به عنوان حاکم هرات وارد این شهر شد. او را حاکمی سخت‌گیر توصیف کرده‌اند؛ با این حال، دست به فعالیت‌های عمرانی گسترده در هرات و اطراف آن زد و در همان زمان، به کار آبادانی حرم رضوی و اطراف آن همت گماشت.

دقیقی را ارائه کرده‌است. وی در این باره می‌نویسد: «[در شعبان سال ۴۲۹(اردیبهشت ۴۱۷)] من به عیادت وی رفتم و او را یافتم چون تاری موی گداخته ولکن سخت هوشیار، گفت و وصیت بکرد تا تابوتش به مشهد علی‌بن‌موسی الرضا رضوان‌الله علیه برند به طوس و آن‌جا دفن کردند که مال این‌کار را در حیات خود پداده بود. من در سنه احدی و ثلاثین (۴۳۱ = ۴۱۸ش) که به طوس ... و نواقا رفتم و تربت رضا علیه‌السلام را زیارت کردم، گور عراقی را دیدم در مسجد آن‌جا که مشهد است ... او را زیارت کردم و به تعجب بماندم از حال این دنیای فریبنده که هشت و نه سال این مرد را برکشید و بر آسمان جاه رفت و بدین زودی بمرد و ناچیز گشت». با اینکه عراقی را شاعر و نویسنده‌ای توانا توصیف کرده‌اند، اما از اشعار وی چیزی برج نمانده‌است و تنها دو بیت از اشعار او را، می‌توان در کتاب «ترجمان البلاغه» اثر بهرام سرخسی، از استادان فن عروض در قرن پنجم هجری یافت. استفاده از شعر عراقی برای آموزش فن شاعری، نشان می‌دهد وی در زمان خودش، شاعری توانا و شناخته شده بوده‌است و نخستین شاعری محسوب می‌شود که در جوار روضه منوره رضوی به خاک سپرده شد.

و مجاوران را از بی‌آبی نجات داد. حتی دستور داد کاروانسرایي در کنار حرم مطهر بسازند تا زائران حرم مطهر از آن استفاده کنند. چنان‌که قبلاً هم اشاره کردیم، احتمالاً این قدیمی‌ترین کاروانسرایي بوده که در مشهد ساخته شده‌است. به دستور عراقی، نخستین مسجد در مجاورت حرم رضوی ساخته شد که هنوز پابرجاست و ما آن را با نام «مسجد بالاسر» می‌شناسیم و درباره‌اش به تفصیل توضیحاتی را به خوانندگان عزیز رواق ارائه کرده‌ایم.

■ **در تنگنای سیاست و جنگ**
دوران حکومت این نویسنده و شاعر نامی، خیلی کوتاه بود؛ ترکمانان که از دیرباز با غزنویان درگیر بودند، به خراسان تاختند و نواحی تون (فردوس کنونی) را به باد غارت دادند. عراقی سپاهی را برای سرکوب آن‌ها فرستاد، اما این سپاه نتوانست کاری از پیش ببرد

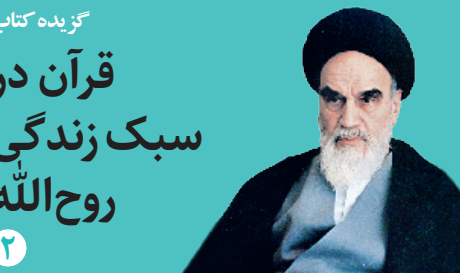
محمدحسین نیکبخت | احتمالاً نام ابوالحسن عراقی را هنگام بررسی تاریخ حرم مطهر و به ویژه، زمان گفت‌وگو درباره «مسجد بالاسر»، قدیمی‌ترین مسجد موجود در اماکن متبرکه شنیده‌اید. او بانی این مسجد است و پیکرش را هم، چنان‌که ابوالفضل بیهقی در «تاریخ مسعودی» آورده‌است، در همان مسجد مجاور روضه منوره دفن کردند و این مزار تا قرن‌ها باقی بود. ابوالحسن عراقی روز دوشنبه، ششم شعبان سال ۴۲۹ برابر با ۳۱ اردیبهشت‌ماه سال ۴۱۷ خورشیدی درگذشت؛ اگر این گزارش را که بیهقی نقل کرده و به احتمال زیاد، دقیق است، بپذیریم، ماجرای دفن ابوالحسن عراقی در مسجد بالاسر، ۹۸۳ سال پیش اتفاق افتاد و از آن‌جا که وی را شاعر و نویسنده‌ای توانمند توصیف کرده‌اند، باید او را قدیمی‌ترین شاعر و نویسنده‌ای بدانیم که در حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد. در رواق امروز، بر زندگی و زمانه این نویسنده، سیاستمدار و شاعر ایرانی گذری خواهیم کرد.

■ **دبیری که از غرب به شرق ایران آمد**
هرچقدر زمان درگذشت ابوالحسن عراقی معلوم است، کمترین اطلاعی درباره زمان ولادت وی و مکان آن وجود ندارد. با توجه به پسوند نام وی، «عراقی»، احتمالاً او باید جایی در غرب ایران قدیم که به عراق عجم شهرت داشت، به دنیا آمده باشد. برخی مورخان، ابوالحسن را از دبیران دربار آل‌بویه می‌دانند؛ خاندانی شیعه‌مذهب که بیش از ۱۰۰ سال بر ایران غربی و عراق عرب و عجم حکومت کردند و به احیا و گسترش سنت‌های شیعی، مانند عزاداری بر سالار شهیدان(ع) و برگزاری عید سعید غدیر همت گماشتند. ابوالحسن احتمالاً دبیر مجدالدوله، پسر فخرالدوله دیلمی، فرمانروای ری بوده‌است و به همین دلیل، باید وی را دارای عقاید شیعی و علاقه‌مند به مذهب اهل‌بیت(ع) بدانیم. با این حال، پس از تصرف ری توسط سلطان محمود غزنوی، ابوالحسن، به همراه تعداد دیگری از دیوانسالاران دربار آل‌بویه، به غزنین فرستاده شد و به این ترتیب، مرحله‌ای دیگر از زندگی وی آغاز گردید. ابوالحسن در سال ۴۰۶ خورشیدی به غزنین رسید و از آن‌جا که در فن دبیری و امور دیوانی تبحر فراوانی داشت، توانست مدارج ترقی را به سرعت طی کند و با شم سیاسی خوبی که داشت در زمره اطرافیان مسعود غزنوی، پسر سلطان محمود قرار گرفت و چون در نگارش بسیار متبحر بود و در فن شعر نیز، توانمندی بالایی داشت، خیلی زود نظرها را به سوی خود جلب کرد.

■ **دوران اقبال ابوالحسن عراقی**
با به قدرت رسیدن مسعود غزنوی، ابوالحسن در شهریور سال ۴۱۵ خورشیدی، به عنوان حاکم هرات وارد این شهر شد. او را حاکمی سخت‌گیر توصیف کرده‌اند؛ با این حال، دست به فعالیت‌های عمرانی گسترده در هرات و اطراف آن زد و در همان زمان، به کار آبادانی حرم رضوی و اطراف آن همت گماشت. مشهور است که در آن هنگام، کاریز و قنات مشهور شهر مشهد، یعنی قنات سناباد، خشکیده‌بود؛ ابوالحسن به کار بازسازی قنات پرداخت و زائران



ویژه فرهنگ و معارف رضوی | سال اول | ویژه نامه ۲۲۴ |



در شب شهادت حضرت زهرا(ع) انجام شد

وداع زائران با پیکر مطهر ۹ شهید در حرم رضوی

معنویت اجتماعی در مکتب سلیمانی

با تعریف صحیح، دایره حجاب را پذیرفتنی‌تر کنیم

وصیت رضا و انگشتی سردار

بررسی دغدغه‌های آیت الله مصباح یزدی در یک نشست علمی تربیت نیروهای کارآمد



عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) تربیت نیروهای مفید و کارآمد برای نظام اسلامی را از اولویت‌ها و دغدغه اصلی آیت الله مصباح یزدی عنوان کرد.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی مصباح یزدی، فرزند ارشد آیت الله محمدتقی مصباح یزدی در نشست علمی «نگاهی راهبردی به اندیشه ها و الگوهای تربیتی و کادرسازی سردار سلیمانی و آیت الله مصباح یزدی» که با حضور خانواده معزز شهدا، خانواده آیت الله مصباح یزدی، فرمانده قرارگاه حضرت زینب(س) در سوریه، نماینده سابق رهبر معظم انقلاب اسلامی در سوریه و عموم دانشجویان در سالن همایش‌های شهید سلیمانی واحد خواهران دانشگاه بین المللی امام رضا(ع) برگزار شد، تربیت نیرو و آموزش را از نکات مشترک بین آیت الله مصباح یزدی و سردار شهید سلیمانی ذکر کرد و گفت: این دو شخصیت اثرگذار در زمینه تربیت و هدایت افراد به سوی الهی نه تنها از هیچ تلاشی فروگذار نبودند، بلکه در این راه خستگی ناپذیر بودند.

ایشان همواره اعتقاد داشتند تربیت انسان باید از اساس و ریشه باشد، زیرا رفتار انسان‌ها برخاسته از انگیزه‌های انسان است و بحث تربیت اخلاقی برای این عالم ربانی یک اصل و دغدغه ۷۰ ساله بود.

وی افزود: بخش اعظمی از عمر با برکت آیت الله مصباح یزدی، صرف تولید اندیشه‌های مبانی و خالص اسلامی شد تا افراد بر اساس مبانی اسلامی پرورش یابند. ایشان در کنار تربیت نخبگانی، ۲۶ سال پیش اقدام به اجرای طرح ولایت در سطح طلاب، دانشجویان، اساتید و اقشار مختلف جامعه نمود تا بخشی از شباهت علیه تفکر اسلامی که ممکن است در ذهن افراد شکل گیرد، پاسخ داده شود.

وی با بیان اینکه آیت الله مصباح یزدی در خصوص تربیت نیرو جهت پیشبرد اهداف نظام جمهوری اسلامی در حوزه های مختلف برنامه‌های بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت داشت، ادامه داد: برای تربیت نیروهایی که بتوانند جامعه را بر اساس مبانی اسلامی مدیریت کنند، راه طولانی در پیش داریم.

این عالم ربانی معتقد بود برای داشتن نیروهای مفید و کارآمد نظام اسلامی، باید در سه بعد شناخت، تهذیب و خودسازی و بصیرت افراد کار شود.

نیمکت زندگی

خیابان گرم نیست!



رقیه توسلی؛ کُپه ای جلو ساختمان نیمه کاره؛ اولین بار این‌طور دیدمش.

کمی برای کشف ماجرا تلاش کردم، اما دروغ چرا، چون کار عجله‌ای داشتم آنچنان که باید پاپیچ قصه نشد.

گذشت تا اینکه دوباره مسیرم خورد به اداره فرهنگ و ارشاد و باز کُپه را همان‌جای قبلی دیدم. توی خیابان اصلی، جلو ساختمان نیمه ساخت. به همان سبک و سیاق قبلی نشسته بود. محاله، تنها. پشت به باد. با این تفاوت که

این‌بار مختصری موی ژولیده هم پیدا کرده بود. دیگر مطمئن شدم زیر پتوی زهواردرفته، آدمی نیازمندنشسته.

از دست خودم بابت یک هفته اشتباه، عصبانی بودم. کاش این‌قدر خطا و مضحک فکر نمی‌کردم. آخر دفعه اول برای راضی کردن وجدانم گفتم این کپه حتماً یک مقدار کیسه گچ یا سیمان است که کارگران رویش را پوشانده‌اند.

این‌بار معطل نمی‌کنم. زنگ می‌زنم به ۱۳۷. در

کمال تعجب سامانه شهرداری روی پیام‌گیر است. پیام می‌گذارم. بعد شماره اورژانس اجتماعی را می‌گیرم. ۱۲۳. بهزبستی، سه بار که بوق می‌خورد، اپراتور خانومی جوابگوست. شرح ماوقع که می‌کنم، قول پیگیری می‌دهد. دلم قرص می‌شود. با حال دگرگونی به آقای کارتن خواب نگاه می‌کنم. خوشحالم که امشب را از بی سقفی نجات پیدا می‌کند. که توی گرمخانه حداقل لیوانی چای و بشقاب‌ی غذای گرم سهمش می‌شود از زندگی. خوشحالم که نهادهایی هستند که زیر بال و پر آدم‌های بی‌جا و مکان را می‌گیرند. ارگان‌هایی که شرایط زیست نیمه عادی را فراهم می‌آورند و دست‌اندرکار این قسم امورند. نیم ساعتی منتظر می‌مانم اما خبری نمی‌شود. باید بروم اما دلم می‌ماند اینجا. پیش آقای بی سرپناهی که هر شب کنار کلی خانه، چشم‌هایش را می‌بندد. وقت رفتن زیرلی به آقای پتوپیچ می‌گویم: نگران نباش همشهری! امشب اینجا نمی‌خوابی دیگر!

پی‌نوشت

فرداست. با اداره فرهنگ و ارشاد کاری ندارم. آمده‌ام یکسر تا خیابان مذکور، جای خالی بینم و آرام شوم. که نمی‌بینم. باورم نمی‌شود آقای مو پریشان هنوز روی آن تکه کارتن باشد...

موبایلم را درمی‌آورم. ۱۲۳ دارد بوق می‌خورد که خبر حذف سه تیم ایرانی از لیگ قهرمانان آسیا هم می‌آید روی صفحه. برای آقای کارتن خواب و خودم و طرفداران میلیونی، دلم کباب است.

سنجاق

حضرت علی (ع) : تهیدست و فقیر، در وطن خویش هم غریب است. حکمت ۵۶ نهج البلاغه